



تهدیدات جنگی، مذاکره و اپوزیسیون بورژوایی

امان کفا

تنش های اخیر میان دو کشور تغییر کرده است. تغییری که برخلاف تبلیغات جمهوری اسلامی نه ناشی از "ترس" آمریکا از "قدرت" نظامی و منطقه ای جمهوری اسلامی، بلکه بازتاب بن بستی در سیاست نظامی و تهاجمی آمریکا است.

صفحه ۳

جمهوری اسلامی در قبال "رفتار نرمال" مهم نبوده و نیست. آنچه در این میان مهم بود و به سرتیتر اخبار میدیا تبدیل شد، اعلام آمادگی آمریکا برای مذاکره با جمهوری اسلامی بدون هیچ پیش شرطی، از جانب پامپئو بود. این پیام اخیر پامپئو، مستقل از تفاسیری که حول آن در جریان است، بیانگر این است که صحنه

در ادامه تبلیغات جنگی میان سران آمریکا و جمهوری اسلامی، اخیرا پامپئو بار دیگر تاکید کرد که ایران باید "رفتاری نرمال" را در پیش بگیرد. مقامات جمهوری اسلامی هم متقابلا، یکی پس از دیگری، "غیر نرمال بودن" رفتار آمریکا در خروج از برجام و ... را محکوم کردند. اما، نه آن تاکیدات و نه عکس العمل های مقامات

حکمتیست ۲۵۹

۳ ژوئن ۲۰۱۹ - ۱۴ خرداد ۱۳۹۸
دوشنبه ها منتشر میشود

کارگران کمونیست چه میگویند



کمونیست ها چه کسانی اند و چه میگویند؟ خیلی در پاسخ به این سؤال احزاب و گروه های سیاسی را نشان میدهند که رسماً خودشان را کمونیست مینامند و به این نام فعالیت میکنند.

جالب اینجاست که اگر از خود این احزاب هم بپرسید خیلی از آنها هم همین پاسخ را به شما میدهند. به تصور اینها کمونیسم یک فرقه ایدئولوژیک و سیاسی است که گروه های مختلفی را در بر میگیرد و کمونیست ها اعضا، این فرقه و این گروه هستند. سرمایه داران و دولتهایشان هم به این تصور فرقه ای از کمونیسم دامن میزنند. معنی عملی همه اینها این است که کمونیسم یک پدیده حاشیه ای در جامعه است. مردم عادی نمیتوانند کمونیست باشند. کمونیسم گرایشی در درون خود جامعه نیست بلکه مکتب و جنبش حزبی کسانی است که میخواهند عقاید و راه و رسم ویژه ای را تازه به درون جامعه ببرند. خیلی روشن است که طبقات حاکم چه منفعتی در دامن زدن به این تصورات دارند. فرقه قلمداد کردن کمونیسم گام اول در سرکوب کردن آن است. اما، درست به دلیل اینکه کمونیسم یک فرقه نیست بلکه جنبش عظیم اجتماعی است که از بطن و متن جامعه سرمایه داری مایه میگیرد، تلاشهای دولتهای عظیم و تا دندان مسلح

جنگ و صلح ناسیونالیست ها بر سر چیست!

صفحه ۴

کشتن کولبران قتل عمد است!

صفحه ۵

Mansoor Hekmat Week 4-11 June

در بزرگداشت زندگی پر بار
منصور حکمت
هفته منصور حکمت ۲۱-۱۴ خرداد



منصور حکمت، سرتنگونی و انقلاب
سفیران: فالد حاج ممدی
زمان: یکشنبه ۹ ژوئن ساعت ۱۴
تثکلیات لندن مزب حکمتیست (خط رسمی)
مکان: Kentish Town Community Center
17 Busby Place, London, NW5 2sp

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)
Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

آزادی برابری حکومت کارگری

کارگران کمونیست

بورژوازی در طول دهها سال هنوز هم قادر به سرکوب این به اصطلاح "فرقه" نشده است و هنوز هم مقابله با کمونیسم معضل اصلی سرمایه‌دار و جامعه سرمایه‌داری است. بی‌خود نیست که هر چاقوکش و چماقدار این طبقه که مسئولیت سازماندهی دولت بورژوازی را بر عهده می‌گیرد، اعم از اینکه قُپه روی دوش چسبانده باشند، عمامه سرش گذاشته باشند یا کراوات به گردنش بسته باشند، فوراً بعنوان متخصص مبارزه با کمونیسم قد علم میکند و شلنگ تخته میاندازد.

کمونیسم یک گرایش اجتماعی است، درست نظیر ناسیونالیسم و لیبرالیسم و غیره، که دائماً در درون خود جامعه شکل می‌گیرد و باز تولید میشود. پایه و کانون پیدایش و رشد کمونیسم، طبقه کارگر و مبارزه تعطیل‌ناپذیر این طبقه علیه سرمایه‌داری و اوضاع مشقت‌باری است که این نظام به زحمتکشانی که اکثریت عظیم جامعه را تشکیل میدهند تحمیل میکند. کمونیسم مکتبی نیست که توسط مارکس و انگلس ابداع شده باشد. از نظر تاریخی کمونیسم، بعنوان یک جریان اعتراضی کارگران، مقدم بر مارکسیسم در اروپای اواخر قرن هجدهم و اوائل قرن نوزدهم شکل گرفت و بوجود آمد. اساس این کمونیسم کارگری، که آنرا از تمامی مکاتب و جریانات شبه سوسیالیستی طبقات دارا در زمان خود متمایز میساخت، هویت کارگری آن و اعتراض آن به مالکیت بورژوازی بر وسائل تولید بعنوان علت‌العلل مشقات توده‌های کارگر بود. در زمان انتشار مانیفست کمونیست توسط مارکس و انگلس در سال ۱۸۴۸ کمونیسم کارگری فی‌الحال یک جریان زنده مبارزاتی و اعتراضی بود. مانیفست کمونیست نام خود را دقیقاً از این جنبش

کمونیستی کارگری گرفت. مارکسیسم این جنبش اجتماعی را به یک انتقاد عمیق از جامعه سرمایه‌داری و به درک روشنی از دورنمای انقلاب کارگری مسلح ساخت. مارکسیسم به سرعت به تئوری و جهان‌نگری این صف اجتماعی و به پرچم کمونیسم کارگری تبدیل شد. تحت پرچم مارکسیسم، کمونیسم کارگری به یک قدرت عظیم در صحنه سیاسی تبدیل شد که فعالیت‌های بین‌الملل کارگری و انقلاب کارگری روسیه در ۱۹۱۷ جلوه‌هایی از آن بودند.

این کمونیسم کارگری دیگر به جزء لاینفک جنبش کارگری در تمام کشورهای سرمایه‌داری تبدیل شده. هر جا اعتراض کارگری در جریان است بورژوا فوراً شامه‌اش برای پیدا کردن کمونیستها تیز میشود. هر جا اسمی از مارکسیسم بمیان میاید، حتی اگر این مارکسیسم، مارکسیسم نیم بند روشنفکران خود طبقه حاکم باشد، بورژوازی اول دور کارخانه‌هایش حصار امنیتی میکشد و دستش را روی گوش کارگران میگذارد. با این همه باز شاهد اینست که تا اعتراض کارگری بالا میگیرد زمزمه مرگ بر سرمایه‌داری و زنده باد حکومت کارگری در میان کارگران بلند میشود. هر کارگری که به فکر تغییر اوضاع خودش و طبقه‌اش میافند، فوراً دنبال کتاب و جزوه مارکس و لنین میگردد. بورژوازی اینها را به حساب "توطئه و تحریک کمونیستها" میگذارد. اما در واقع توطئه‌ای در کار نیست. کمونیسم یک سنت مبارزاتی در درون خود طبقه کارگر است. طیف قابل توجهی از خود کارگران. خود همان‌ها که مزد میگیرند و کار میکنند و حاصل کارشان کیسه سرمایه‌داران را پر میکند، کمونیستند.

در سطح عمومی کمونیسم آن گرایشی در جنبش کارگری است که تحت هر شرایطی اتحاد کارگران را دنبال میکند.

اساس محرومیت‌ها و مشقات طبقه کارگر، یعنی نظام سرمایه‌داری و مالکیت بورژوازی را افشاء میکند. در هر دقیقه مبارزه طبقه کارگر حضور دارد و در عین حال افق عمومی انقلاب کارگری را در برابر کارگران قرار میدهد. در مبارزه هر بخش طبقه فعال است و در عین حال منفعت کل طبقه را خاطر نشان میسازد. این آن جریانی است که می‌خواهد کل بردگی مزدی و کل قدرت سرمایه را از میان بردارد و کارگران را برای ایفای این نقش آماده میکند. اگر بورژوازی یک روز سرنیزه را از روی گلولی کارگران بردارد همه خواهند دید که چگونه هزاران و هزاران کارگر همین‌ها را با صراحت و فصاحت خیره کننده‌ای از روی چارپایه‌ها خواهند گفت. اما برای دیدن دامنه این کمونیسم زنده کارگری حتی لازم نیست آن روز بیاید. سوسیالیسمی که عمیقاً در درون طبقه کارگر ریشه دوانده همین امروز در شیوه و زبانی که توده‌های کارگر و رهبرانشان در جزئی‌ترین اعتراضشان بکار میبرند به روشنی منعکس است.

کمونیسم یک گرایش زنده و پرنفوذ کارگری است که بخش وسیعی از رهبران عملی و رهبران جنبش اعتراضی را با خود دارد بدون اینکه اینها لزوماً اعضا سازمانهای کمونیست باشند. اما این تنها گرایش درون طبقه کارگر نیست. طبقه کارگر و جنبش کارگری کانون گرایشات سیاسی و مبارزاتی متعددی است. اوضاع و احوال و مسائل اقتصادی طبقه کارگر، اوضاع سیاسی جامعه، جدال احزاب سیاسی و کل تاریخ معاصر جامعه، گرایشات و جریانات گوناگونی را در درون طبقه کارگر شکل میدهند. آنارشیزم، رفرمیسم، سندیکالیسم، ناسیونالیسم و غیره همه بر طبقه کارگر تاثیر می‌گذارند و قطب‌بندی‌هایی را در درون

جنبش کارگری بوجود می‌آورند. بنابراین در ترسیم سیمای سیاسی و مبارزاتی کارگران کمونیست و کمونیسم کارگری بسیار ضروری است که تفاوت‌های گرایش کمونیستی و رادیکال با سایر گرایشات نیز مشخص بشود. اینجا دیگر تفاوت‌ها نه فقط در آرمانها و دورنماها بلکه در فعالیت و مبارزه هر روزه، در شعارها و تاکتیکهای مبارزاتی، در مطالبات سیاسی و اقتصادی، در روش‌های مبارزه، در موضعگیری نسبت به مسائل گریه جنبش کارگری و غیره معنی پیدا میکند.

در طول سالهای اخیر، بویژه در بحث مربوط به سیاست سازماندهی حزب در درون طبقه کارگر، ما به کرات از گرایش رادیکال-سوسیالیست در جنبش کارگری سخن گفته‌ایم. ما بر این تاکید کرده‌ایم که شکل دادن به یک حزب کمونیستی کارگری و قدرتمند در گرو سازمان دادن و متحد کردن و تقویت این گرایش در درون طبقه کارگر است. یک جزء این مبارزه، همانطور که قبلاً هم گفته‌ایم، تلاش برای خودآگاه کردن این طیف کارگران و تبدیل کردن آنها به یک جریان زنده مبارزاتی است که تفاوت‌های خود را با سایر گرایشات در درون طبقه به روشنی می‌شناسد و شعارها و تاکتیک‌های خود در جنبش کارگری را به روشنی معلوم کرده است.

سلسله برنامه‌هایی که از این پس هر هفته تحت عنوان عمومی "کارگران کمونیست چه می‌گویند" پخش خواهد شد، همین هدف را دنبال میکنند. در این برنامه‌ها، که شامل گفتارها، مصاحبه‌ها، پخش نوار سمینارهای حزبی و غیره خواهد بود، میکوشیم تا سیمای سیاسی و مبارزاتی کمونیسم کارگری و طیف کارگران سوسیالیست و رادیکال را در عرصه‌های مختلف ترسیم کنیم. طیف وسیعی از مسائل، از مبانی فکری این جریان تا تاکتیک‌های آن در جنبش

کارگران کمونیست

کارگری در تمایز و در مقایسه با سایر گرایشات و احزاب فعال در جنبش کارگری مورد بحث قرار خواهد گرفت. کارگران کمونیست در باره انقلاب و حکومت کارگری چه میگویند، موضع ما در قبال جمهوری اسلامی چیست و چه نوع حکومتی باید بر سر کار آید، در باره مبارزه اقتصادی، مبارزه برای اصلاحات و بهبودهای فوری چه میگوئیم، نظر ما در باره تشکلهای توده‌ای کارگری، شورا، سندیکا و مجمع عمومی صندوقهای کارگری و غیره چیست. مبارزه قانونی و علنی چه جایگاهی برای کمونیسم کارگری دارد. در مبارزه بر سر قانون کار چه میکنیم. با شوراهای اسلامی چه باید کرد، در باره بیمه بیکاری چه میگوئیم. جایگاه سازمانیابی حزبی برای کارگران کمونیست چیست و فعالیت حزبی به چه اشکالی سازمان مییابد. اتحاد عمل با سایر گرایشات چه موازینی دارد. اینها و مسائل متعددی از این نوع موضوع بحث این سلسله برنامه‌ها خواهد بود.

هر برنامه به موضوع مستقلی خواهد پرداخت و به تنهایی کاملا قابل استفاده خواهد بود. هر یک از برنامه‌ها بصورت مقالات و جزواتی در نشریات حزبی و بطور مجزا منتشر خواهد شد و باید به ابتکار رفقای حزبی در دستور بحث و مطالعه محافل کارگران مبارز قرار بگیرد.

منصور حکمت

کمونیست شماره ۵۳ شهریور ماه ۱۳۶۸ این نوشته برای اولین بار تحت عنوان "معرفی یکی از برنامه‌های رادیو صدای حزب کمونیست ایران" پخش گردید و بعدا در نشریه کمونیست ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران، سال ششم شماره ۵۳ شهریور ماه سال ۱۳۶۸ منتشر شد.

hekmat.public-archive.net
#3090fa.html

تهدیدات جنگی،

ما از پیش گفته بودیم که اعزام نیروهای نظامی آمریکا، بر پایه تقابل‌ها و رقابت‌های بین‌المللی است و در این میان جمهوری اسلامی، تروریسم، قدرت هسته‌ای آن، حتی نفوذ آن در منطقه، نه مسئله اصلی، بلکه تنها بهانه‌ای است که آمریکا از آن برای حل معضلات خود در دنیای چند قطبی امروز استفاده می‌کند. گفته بودیم که اعزام نیروهای نظامی به خلیج، اساسا نه برای ترساندن جمهوری اسلامی و حمله نظامی به ایران که برای اعمال و تحمیل فشار برای امتیازگیری از رقبای بین‌المللی خود در سطح جهانی است. سیاستی که برای پیشبرد آن، ترامپ و هیئت حاکمه آمریکا، هیچ ابایی از به گروگان گرفتن زندگی مردم در منطقه ندارند.

امروز با اعلام آمادگی مذاکره بدون پیش شرط و در واقع پس گرفتن دوازده پیش شرطی که آمریکا از پیش تعیین کرده بود، عملا سناریو شکل دیگری به خود گرفته است. عقب نشینی قدم به قدم آمریکا، کم شدن تهدیدات جنگی، دعوت به مذاکره و ... تشابه زیادی به تبلیغات جنگی و تهدید به حمله نظامی به کره شمالی دارد. آن زمان هم تلاش ترامپ برای بهم زدن و نظامی کردن حیات خلوت چین، علیرغم همه هیاهو و تهدیدات به حمله نظامی، با عقب نشینی و شکست مواجه شد. سخنان پامپئو، عقب راندن و افسار کردن جان بلتون، امروز نشانگر آغاز پایان پروسه حمله نظامی به ایران و دامن زدن به جنگ در خاورمیانه است.

سیاستی که بار دیگر انزوای آمریکا در دنیای چند قطبی امروز را نشان داد. ترامپ ابنیار هم قادر نشد بر رقبای جهانی خود فائق شود و اتوریته سیاسی و نظامی خود را بر آنها اعمال کند. تنها دولی که همراهی ضمنی خود را با میلیتاریزم آمریکا اعلام کردند دول

اسرائیل و عربستان بودند.

تفاوتی که خاورمیانه با حیات خلوت چین دارد این است که برخلاف خاور دور، اینجا آمریکا کماکان در پی تثبیت نقش ژاندارمی منطقه متکی به حضور نظامی خود است. به همین دلیل، حفظ شرایط جنگی در این منطقه کماکان در دستور کار آمریکا است. سیاستی که معنی عملی آن برای میلیونها انسان در خاورمیانه از هم پاشیدن شیرازه زندگی، ویرانی، جنگ، کشتار و قتل عام است. سیاستی که با افزایش پرچم سناریو سیاهی، تصویر عراق پس از جنگ خلیج، لیبی و سوریه را در مقابل مبارزات جاری و هر گونه اعتراض و ندای آزادیخواهی در کل خاورمیانه قرار میدهد.

شکست سیاست جنگی ترامپ و عقب نشینی آمریکا و قبول مذاکره بدون پیش شرط با جمهوری اسلامی (چه مستقیم و یا چه با یا درمیانی کشورهایی چون ژاپن)، بدون شک ناامیدی و استیصال بیشتری را در صفوف اپوزیسیون بورژوازی جمهوری اسلامی به همراه خواهد بود. اپوزیسیونی که سنتا سهمین شدن در حاکمیت را، به ترامپ و آمریکا گره زده است. اپوزیسیونی که بر طبل "فشار حداکثری" و "تحریم هوشمندانه" می‌کوبید و روی فضای جنگی و تشدید آن سرمایه‌گذاری کرده بود، نیروهایی که تشدید کشمکش و تحریم و فضای جنگی تنها روزنه امید شان است، "رئیس جمهوران" و "پادشاهان" آتی مملکتی که قدرت شان را نه از جامعه و مردمی که برای آزادی و رفاه علیه جمهوری اسلامی بپا خاسته اند که از دالانهای مجلس سنا و گنگره و "قدرت" لابیسم شان میگیرند، جز اولین قربانیان این شکست و عقب نشینی اند. تبلیغات این نیروها که تحریم و "فشار حداکثری" و تهدیدات نظامی در خدمت

سرنوشتی جمهوری اسلامی است، امروز نه فقط خریداری ندارد که بیش از هر زمانی مایه بی‌آبرویی شان است. مردم در ایران نتیجه این سیاستهای ارتجاعی آمریکا را در عراق، افغانستان، سوریه و لیبی میبینند و نیروهای طرفدار این سیاست را در سنگر دشمنان آزادی و سعادت خود قرار میدهند.

برخلاف این اپوزیسیون مفلوک و بازنده، پایان دادن به تهدیدات نظامی و فضای جنگی، ختم تحریمهای اقتصادی، از طرفی دست جمهوری اسلامی را در تحمیل فقر و حاکم کردن فضای ارباب و سرکوب مینندد و از طرف دیگر فضا را برای پیشبرد مبارزه طبقه کارگر و مردم محروم برای آزادی، رفاه و امنیت، برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی باز میکند. دور دیگری از جدال طبقاتی در راه است. باید برای آن آماده بود.

حکمتیست

را توزیع و

پخش کنید

جنگ و صلح

در روزهای اخیر خبر دو درگیری بین نیروهای احزاب ناسیونالیست، قومی و مذهبی کردستان ایران در خاک کردستان عراق اتفاق افتاده است.

یکی صف آرای و تیراندازی نیروهای دو جریان کومله ی عبدالله مهتدی و عمر ایلخانیزاده در اردوگاه هایشان در مقابل هم در زرگويز و دیگری محاصره نیروهای خه بات از جانب حزب دمکرات در کوهستانهای قندیل.

پتانسیل احزاب کوردی برای دست بردن به اسلحه در حل اختلافات شان پدیده ی جدیدی نیست و برای مردم کردستان شناخته شده است. اما جالب اینجا است که همین جریانات بارها در اتحادها و ائتلاف هایی کنار هم ایستاده اند. ماجرا چیست؟

اولا در سنت ناسیونالیسم کرد در سراسر منطقه هر وقت اختلافی پیش آمده، فوراً پای اسلحه به میان آمده و نهایتاً طرف با نیروی مسلح برتر، دست بالا را داشته و طرف مقابل را به عقب رانده است.

جنگهای احزاب حاکم در اقلیم کردستان را همه می دانند. حتی در جریان جدا شدن زحمتکشان عبدالله مهتدی از کومله ی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، توطئه ی حمله به اردوگاه کومله هر چند عملی نشد اما بعداً افشا گردید.

دوما اتحاد و ائتلاف جناح های مختلف ناسیونالیست و قومی و مذهبی اساساً برای تزئین و بیزینی برای مقبول شدن از جانب امریکا و دول مرتجع منطقه است. بارها دولت امریکا از جریانات کوردی خواسته است که متحد شوند تا زمانی که لازم شد بعنوان ابزار فشار بر جمهوری اسلامی مورد استفاده قرار گیرند. و در مقابل هم جایزه هایی دریافت کرده اند. جنگ نیابتی حدکا به نفع عربستان، اخیراً اتفاق افتاده و هنوز پایان نیافته است.

ما بارها در مورد مخاطرات جنگ و جدال ناسیونالیست ها و قوم پرستان کرد در رقابت با همدیگر، هشدار دادیم. خطری که در آینده ی تحولات ایران و کردستان به جنگ داخلی و ایجاد

سناریوی سیاه بویژه از جانب قوم پرستانی چون جریان مهتدی و مذهبیون سنی چون خه بات، می انجامد.

کارگران و زحمتکشان کردستان باید آگاهانه و با چشم باز به زدو بند و ائتلاف و اتحادها و بویژه مخاطرات آتی سیاستهای ناسیونالیسم و قوم پرستی و سنی گری نگاه کنند. مردم کردستان باید بدانند که نه ائتلاف و جنگ مسلحانه ای این مرتجعین با هم و نه ائتلاف و اتحادهایشان سر سوزنی با منفعت کارگران و زحمتکشان کردستان ربطی ندارد.

کردستان ایران برخلاف سنت ارتجاعی ناسیونالیسم کرد در منطقه، صاحب یک سنت کارگری، آزادیخواهی و برابری طلبانه است. کمونیسم در کردستان سنتی آشنا و محبوب در میان کارگران و بخش آگاه جامعه و زنان برابری طلب است.

مردم کردستان باید صریح و قاطعانه اعلام کنند که راهشان از راه ناسیونالیسم جدا است. کارگران کردستان بخشی از کل طبقه کارگر

ایران و سرنوشت تحولات آتی کردستان به سرنوشت جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در سراسر ایران بستگی دارد. مردم کردستان ایران نمی خواهند تجربه ی اقلیم کردستان با جنگ و جدال احزاب ناسیونالیست آن بر سر تقسیم قدرت و ثروت و خیانتهاشان به مردم و نوکریشان برای دول مرتجع منطقه مثل جمهوری اسلامی و ترکیه و عربستان و در راس همه امریکا، در کردستان ایران تکرار شود.

جامعه ی آزاد و مرفه و برابر در کردستان، با طرد و منزوی کردن ناسیونالیسم، قوم پرستی و سنی گری...، در دل مبارزه با قدرت حاکم جمهوری اسلامی امکانپذیر است. و تنها نیروی ضامن این آینده، کمونیسم بعنوان ابزار مبارزه کارگران و زحمتکشان برای ساختن جامعه ی آزادی و برابر است!

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۱ خرداد ۹۸ (اول ژوئن ۲۰۱۹)

تظاهرات علیه ترامپ

سه شنبه ۴ ژوئن ۲۰۱۹

ساعت ۱۱ صبح، میدان ترافالگار، لندن

Trafalgar Square, London, WC2N 5NJ

گروه "با هم علیه ترامپ" به همراه چهارده سازمان ضد جنگ و ضد نژادپرستی

همزمان با سفر ترامپ به بریتانیا این اعتراض را سازمان داده اند ما ضمن حمایت و شرکت در این اعتراض

فراخوان مان به همه آزادیخواهان در لندن این است در این تجمع و مارش که بر علیه ترامپ و سیاست های ضد انسانی اش از جمله ایجاد فضای جنگی بر ایران و منطقه است، شرکت کنند

تشکیلات لندن

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)
Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

**رفاه و آزادی بدون احساس امنیت.
بدون زندگی در شرایطی امن. که در آن
شهروندان در هراس از فقر، جنگ و
تخریب، و بدون هراس از بدتر شدن
اوضاع، به هر سرنوشتی که سرمایه
برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند.
ممکن نیست. بدون احساس امنیت و
برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی،
که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه
و آزادی را تجربه کنند. تحقق مطالبات
بر حق مردم ممکن نیست.**

کشتن کولبران

کشتار کولبران در منطقه پیرانشهر از زنجیره قتل‌هایی است که نیروهای مسلح رژیم تا کنون آشکارا انجام داده و می‌دهند.

کشتن انسان‌هایی که بار سنگین و کمرشکنی برکول "دوش" دارند، قتل عمد است. این انسان‌ها نه مسلح‌اند، نه مثل سرداران و وزرا و وکلا و تجار، دزد و محتکر و قاچاقچی! کشتن انسانهایی که برای نان سفره بچه‌هایشان راه سخت و طولانی و بار کمرشکن بردوش دارند، جنایت علیه بشریت است.

این رژیم نان سفره مردم را گرو گرفته و آشکارا و بدون شرم، جانشان را هم می‌گیرد. کشتن کولبر نشان قدرت رژیم نیست. نشان استیصال و وقاحت و دشمنی و کینه توزی طبقه ای حاکم و ذلیل در مقابل خشم و نفرت و عصبانیت ده‌ها میلیون کارگر و زحمتکش است. این انتقام است. انتقامی زبوانه و کشتار انسانهایی بدون دفاع و اسیر زندگی فلاکت‌بار که با گرسنگی و مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند.

این جنایات را نباید نادیده گرفت. برای هر انسان کارگر و زحمتکش و زن و مرد و جوان این کشتار بیرحمانه و انتقام‌بیشرمانه، تعرضی ضد انسانی علیه حرمت و کرامت و شخصیت همه ی انسان‌ها است. کسانی که بی‌دفاع و خسته و گرسنه در خون می‌غلطند، عین کشتار انسانیت است. این قتل عمد و جنایت علیه بشریت است.

نه تنها کارگران و زحمتکشان کردستان بلکه کل طبقه کارگر ایران و همه ی انسانهای شرافتمند و انساندوست باید در مقابل این کشتار عامدانه و از فرط استیصال دشمنان مردم فریادشان را بلند کنند. در مقابل این جنایات خیابان‌ها زیر پای کارگران و زحمتکشان به لرزه دربیاید. تجمع بزرگ در مقابل مراکز دولتی در هر شهر توسط مردم آزادیخواه از زن و مرد و جوان و پیر باید استانداران و فرمانداران و دستگاه‌های مجرم را به محاکمه بکشاند. قاتلین این جنایت باید به مردم معرفی شده و در دادگاه‌های علنی محاکمه و مجازات شوند. خانواده‌های این کارگران باید مورد حمایت صمیمانه و

انساندوستانه و همبستگی طبقاتی کارگران و زحمتکشان قرار گیرند.

کارگران! مردم

قتل عمد جنایتکاران را با تعرض و اعتراض و تجمعات خود پاسخ دهید! نفس کولبری خود جنایتی است که حاکمان سرمایه به بخشی از کارگران محروم و گرسنه تحمیل کرده است. پناه بردن به کولبری برای تامین نان شب گرسنگان این خانواده‌ها جرمی است که رژیم سرمایه داران نسبت به کارگران و زحمتکان مرتکب می‌شوند.

جنایت و قتل عمد و تعرض به انسانیت و حرمت و زندگی و جان و مال همسروشانمان، از شما جواب قاطع و جسورانه می‌طلبد. سکوت نکنید! آه و ناله هم نشان همدردی نیست! بغض‌هایتان را در گلو خفه نکنید. بغض‌تان را به فریاد و تجمع و اعتراض دستجمعی تبدیل کنید!

ننگ بر حاکمان زبون سرمایه و تفنگدارانشان دفتر کردستان حزب حکمتیست - خط رسمی ۹ خرداد ۹۸ (۳۰ مه ۲۰۱۹)

نشریه هفتگی
حزب حکمتیست (خط رسمی)
www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب
@HekmatistXateRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب:
امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر

مبارزه ما برای برابری و رفع تبعیض در متن جوامع سرمایه داری موجود جزء لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به صف مقدم هر مبارزه اجتماعی علیه تبعیض و نابرابری در جهان امروز تعلق دارد و معتقد است که برابری حقوقی همه و شمول یکسان قوانین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد، عقیده، مرام، شغل، مقام و تابعیت و غیره باید بعنوان یک اصل تخطی‌ناپذیر و محوری در صدر قوانین جامعه اعلام شود.

سایت آرشیو
مجموعه آثار
منصور حکمت

http://hekmat.public-
archive.net/

امروز سرمایه داری بیش از هر زمان بی اعتبار شده است؛ اراجیف ضد کمونیستی بعد از سقوط بلوک شرق مدتهاست بایگانی شده‌اند و کسی را قانع و بخت نمی‌کند؛ بردگی مزدی محتوم نیست و کماکان تنها یک انقلاب کارگری قدرتمند میتواند ورق را به نفع بشریت برگرداند.

مرکز بر جمهوری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم